



مشهد گر چه نتوانست مرکزیت حوزه های علمی شیعه را برعهده گیرد. ولی هیچ گاه از وجود نخبگان روحانیت و اندیشوران برجسته شیعه تهی نماند. چنانکه در بخشهایی از تاریخ ایران پس از اصفهان، پررونق ترین مدارس علمی را داشته است. کم نیستند چهره های متفکر، عارف، حکیم و فرزانه شیعی که جهت زیارت قبر پاک و روح بلند امام رضا علیه السلام، به مشهد آمده و رابطه فکری و معنوی با عالمان و صاحب نظران این مرز و بوم ایجاد نکرده باشند.

نخستین آغازگران

حدود ده سال پس از نهضت مشروطیت، یعنی حدود سالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۳۴ هـ. ق. به اهتمام مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی و آیت الله میرزا محمد کفائی خراسانی معروف به آقازاده، فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و از چهره های سیاسی دوره مشروطیت خراسان و ایران، تدریس خارج فقه و اصول در مشهد رایج شد و پس از آن دو، شیخ مرتضی آشتیانی (م: ۱۳۶۵ هـ. ق.) عهده دار تدریس بالاترین سطوح علوم حوزوی شد. مدرسان دوره خارج اصول عمدتاً با مکاتب شیخ انصاری، آخوند خراسانی، آقا ضیاء عراقی و شیخ محمد حسین صاحب نهج الدرایه آشنا بودند و این مکاتب را ترویج می کردند.

تا این که در سال ۱۳۴۰ هـ. ق. میرزا مهدی اصفهانی، از شاگردان برجسته میرزای نائینی به مشهد آمد و بایره گیری از مبانی اصولی وی که برای علمای خراسان تازگی داشت، به تدریس اصول و فقه پرداخت و مورد توجه شدید فضلاء آن روز حوزه قرار گرفت و بنا بر تدریس علم کلام و نقد بینشهای فلسفی و عرفانی متداول، مکتب فکری را در مشهد پایه ریزی کرد که بعدها عنوان مکتب تفکیک را به خود گرفت و در ظرف ۲۰ سال شاگردانی پرورش داد که بدون تردید یکی از برجسته ترین آنها مرحوم آیت الله حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی بود.

رمز شناس مکتب تفکیک

مرحوم حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی خراسانی، سال ۱۲۷۰ هـ. ق در روستای «قلعه» شهر قزوین چشم به جهان گشود. از ستین نوجوانی به کسب علم پرداخت و پس از تکمیل ادبیات عرب نزد

رمز آشنایی
معنی فرقان

آشنایی با

حیات علمی - تربیتی

آیه الله شیخ هاشم قزوینی

مکاسب و کفایه و نیز خارج کفایه را در مدرسه فاضلخان (که بعدها در ایجاد فلکه دور بست در عصر رضاخان تخریب شد) و مدرسه نواب تدریس می کرد.

به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای، حلقات درس وی از لحاظ کم و کیف بی نظیر بود.

شیخ هاشم، شاگردان بسیار برجسته ای دارد از جمله: مرحوم غلامرضا (۱۳۰۲ - ۱۳۶۸ ه.ش) دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، حاج حیدر رحیم پور، حاج محمد علی غفاریان، استاد محمد رضا حکیمی، مرحوم محمود غیوری، شهید حسین آستانه پرست، آیت الله واعظ طبسی، آیت الله حاج میرزا مهدی نوغانی، مرحوم استاد محمد تقی شریعتی (۱۲۸۶ - ۱۳۶۶ ه.ش) مرحوم عابد زاده، دکتر کاظم مدیر شانه چی، و در رأس تربیت شدگان مکتب مدرس قزوینی، بدون شبهه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای قرار دارد که خود اسوه حسنه و صالحات و باقیات است برای همه اعصار.

اما بدون تردید، مهم ترین نقش مرحوم آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی، نه تدریس، بلکه تعلیم بوده است. او، به نوشته استاد محمد رضا حکیمی، نمونه برجسته یک عالم دینی و یک روحانی اسلامی واقعی بود. مردی خردمند، وارسته، متواضع، هوشیار، متعهد، شجاع، روشن بین و بیزار از عوامفریبی و انحطاط پراکنی و ارتجاع گرایی.

سعه صدر و سعه فشریح مرحوم حاج شیخ هاشم، مورد تأیید همه شاگردان وی است. حضرت آیه الله خامنه ای در سخنرانی ۱۱ تیرماه ۱۳۶۴ در مراسم دیدار با امام جمعه و جمعی از مسؤولین قزوین، از مرحوم آقا شیخ هاشم قزوینی یاد کرده و می فرماید:

«مرحوم آقا شیخ هاشم در قزوین فوت کردند. ایشان بسیار برای ما محبوب بود. هیچ استادی یادم نمی آید که طلبه ها به قدر آقا شیخ دوست داشته باشند. خیلی عجیب بود. ایجاد محبت در دل شاگردان. عالمی بود بسیار سنگین، متین، خوش بیان، اهل معنی و زاهد و بی اعتنا به دنیا، در عین حال بسیار روشنفکر. آن زمان که اهل علم روزنامه خوانی و مجله خوانی و این چیزها نبودند، ایشان مرتباً مجلات مختلف را می گرفت و در جیش می گذاشت، طویلی که کاملاً دیده می شد

استاید قزوین از جمله حاج ملا علی طارمی، آخوند ملا علی اکبر، فقه و اصول را تا پایان سطح فراگرفت و فلسفه اشراق و مشاء را نزد حاج سید موسی زرآبادی قزوینی فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات خود عازم اصفهان شد و از آن جا شش سال در محضر مرحوم کلباسی و فشارکی تلمذ کرد و از آن پس به قزوین بازگشت و پس از مدتی اقامت در قزوین به مشهد سفر کرد و درس خارج فقه و اصول حاج آقا حسین قمی و میرزا محمد آقازاده و میرزا مهدی اصفهانی شرکت کرد و از دو استاد اخیر اجازه اجتهاد گرفت که بعدها همین اجازه با عبارت «صدرت عن اهل فی محله» از سوی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی مورد تأیید قرار گرفت.

حاج شیخ هاشم همراه استاد بلند پایه خود مرحوم میرزا مهدی اصفهانی و یکی دوتن دیگر در سفری که فیلسوف نامدار معاصر، مرحوم میرزا مهدی آشتیانی، به مشهد داشتند، از ایشان خواستند تا کتاب «مصباح الانس و الشهود» را برای آنان تدریس کند و میرزای آشتیانی تقاضای آنها را رد نکرد و به این ترتیب استاد و شاگرد هر دو از محضر این فیلسوف عالیقدر بهره ها جستند. شیخ هاشم، دوره ای از هیئت قدیم را نیز همراه استاد خود میرزا مهدی اصفهانی نزد مرحوم اعلم الممالک چشم پزشک نامدار خراسان فرا گرفت.

آشنایی با میرزا مهدی اصفهانی و تفکرات بلند و آفاق اندیشه او، مرحوم شیخ هاشم را تا پایان عمر استاد شیفته او کرد. علاقه ایشان به میرزا مهدی به اندازه ای بود که پس از درک محضری به جز ایام تبعید (که در جریان واقعه گوه رشاد پیش آمد و سالی چند خارج از خراسان به سر برد) بقیه اوقات از وی جدا نشد و تقریرات میرزای نائینی و معارف اسلامی و پاره ای از علوم خاص که مخصوص خواص است، در محضر وی فرا گرفت.

شیخ هاشم، از آغاز اقامت در خراسان به تربیت طلاب پرداخت و همه ساله ماه رمضان به زادگاه خود یعنی دهستان «قلعه» مسافرت می کرد و مجالس وعظ دایر می نمود و خدمات عامه المنفعه ای آن جا انجام داد. وی به سال ۱۳۳۹ ه. ش. در قزوین درگذشت. و مشهد با ارتحال ایشان تعطیل شد و همه طبقات به خاطر از دست دادن این رمز آشنای معنی فرقان اندوهگین شدند.

شاگردان مدرس قزوینی

حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی، سطوح عالیه یعنی رسائل،

از سقوط رضاخان با توصیه آیت الله میرزا مهدی اصفهانی و درخواست عده ای از فضلا ایشان مجدد به مشهد آمد. ابتدا سطوح عالی بعد خارج اصول و فقه را نیز تدریس می کرد.

ایشان پس از بازگشت همراه آیت الله سید یونس اردبیلی و تنی چند از علمای برجسته حوزه در بازسازی آن کوشیدند و با حمایت و تقویت شاگرد برجسته خود، مرحوم استا محمد تقی شرعیتی جهت مبارزه با مارکسیسم و نیز غرب زدگی، توانست در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخ خراسان، سد محکمی در برابر هجوم فرهنگی غرب و شرق به خراسان مهد معنویت شیعه، به وجود آورد.

پیش از نهضت ملی، نیاز به حضور یک فقیه برجسته و مبارز و مرجع تقلید در خراسان احساس می شد. با ورود مرحوم آیت الله میلانی به مشهد که از عتبات جهت زیارت آمده بود، توجه شخصیت های محلی از جمله خود مرحوم مدرس قزوینی به ایشان جلب شد و ایشان همراه تنی چند از علمای برجسته و مدرسان حوزه از ایشان تقاضای اقامت دائم کردند، و مرحوم آیت الله العظمی میلانی درخواست آنان را پذیرفت و با حضور خود، خلأ معنوی را که در حوزه احساس می شد پرکرد و خراسان را برای اقامت و اشاعه افکار ناب شیعی برگزید و منشأ آن همه خدمات به جامعه دینی و سیاسی خراسان شد.

در نهضت ملی، بخصوص انتخابات دوره هفدهم مجلس ملی، ایشان هم در روش با علمای برجسته دیگر مشهد فعالیت داشت. نفوذ فکری، سیاسی و دینی این اسوه پرهیزگاری و مقاومت، نیروهای جوان و کارآمد آن روز حوزه را برای رو در رویی با سیاست پهلوی دوم و تلاش برای احراز حریت و استقلال آماده می ساخت. یاد و نام و پیام او چونان آفتاب، همیشه بر بام افلاک، بلند باد.

و با آن محاسن سفید، خیلی مرد انصافاً بزرگی بود. در سال، ماه رمضان ایشان می آمد قزوین قلعه هاشم خان و به منبر می رفت و پولی به آقا شیخ می دادند و ایشان با همان پول دوران سال را می گذراند و از هیچ کس وجوهات نمی گرفت.»

ایشان در همان محفل خاطره ای از مرحوم شیخ هاشم قزوینی نقل کرده اند که یاد کردنی می نماید:

«ایشان یک وقتی به طلبه ها نصیحت می کرد، می گفت که من داشتم به خیابان می آمدم کسی به من رسید گفت: آقا شیخ به این طلبه ها بگویند که نماز صبح شان را اینقدر دیر نخوانند به او گفتم: مؤمن، خدا اجازه داده است، تو اجازه نمی دهی؟ خدا گفته تا اول آفتاب نمازتان را می توانید نخوانید تو اجازه نمی دهی، طلبه است جوان است شب تا دیر وقت مطالعه کرده حالا دیر بلند می شود به توجه بعد رویشان را کردند به طلبه ها و گفتند که بدانید بد است که نمازتان را دم آفتاب بخوانید. بعد شروع کردند تفصیل دادن و گفتند که گاهی برای خدا یک عملی را جلو مردم نشان دهید یعنی یک اعمالی است در دنیا که اینها سمعه و ریایش مطلوب است. مثل شعار دینی»

حضور سیاسی و مبارزه با طاغوت

مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی در طول حیات خود، در جریانهای مهم سیاسی خراسان شرکت فعال داشت. ایشان از نقش آفرینان واقعه گوهر شاد، پس از شهریور ۱۳۲۰ و نهضت ملی نفت بود.

ایشان یکی از هشت مجتهدی بود که پیش از واقعه گوهر شاد، در منزل مرحوم آیت الله سید یونس اردبیلی، طی تصمیم شجاعانه ای به رضاخان تلگراف زدند و عمل وی را نکوهیدند و او را از کشف حجاب منع کردند. به همین دلیل، صبح روز یکشنبه ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۳۱۴ ه. ش. همراه امضاکنندگان دیگر، یعنی آیت الله سید یونس اردبیلی، سید هاشم نجف آبادی، سید علی اکبر خوئی، مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خوئی، حاج میرزا حبیب ملکی، سید علی سیستانی، شیخ آقا بزرگ شاهرودی، شیخ علی اکبر آشتیانی و سید عبدالله شیرازی بازداشت و پس از هشت روز، شب هنگام تحت الحفظ با دست و پای بسته به تهران فرستاده شدند و تا شهریور ۱۳۲۰ اجازه بازگشت به مشهد را نداشتند. بعد

۱- گزارش از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه خراسان غلامرضا جلالی / ۲۹ نشر کنگره جهانی حضرت رضا، ۱۳۶۵
۲- حکیمی، محمد رضا، مکتب تفکیک، ۲۳۱/